

شواهد جدید در مورد عوامل تأثیر گذار بر توسعه مشاغل خانگی زنان در مناطق حاشیه نشین شیراز:

یک رویکرد گراند تئوری

مریم برزگر مروستی^a، راحله مهکویی^b، سارا پورعیسی^c

^a دکتری اقتصاد، مدرس دانشکده علوم اجتماعی گروه مدیریت، موسسه آموزش عالی زند، شیراز

^b کارشناسی ارشد علوم اجتماعی، مدیر دفتر تسهیلگری و توسعه محلی گلشن

^b کارشناسی ارشد علوم اجتماعی، کارشناس اجتماعی دفتر تسهیلگری و توسعه محلی گلشن

نویسنده مسئول: مریم برزگر مروستی؛ Email: Barzegar.maryam73@gmail.com؛ Tel: +989177000135

چکیده: با شیوع بیماری کرونا و وخامت وضعیت اشتغال در بیشتر جوامع، توسعه مشاغل خانگی برای بانوان ساکن در مناطق حاشیه نشین می تواند یکی از راهکارهای موثر در کاهش مشکل بیکاری و فقر مناطق یادشده باشد. هدف این مطالعه بررسی موانع کنونی توسعه مشاغل خانگی و ارائه راهکارهای عملی برای رفع موانع بر اساس روایت های فردی و تجربه های شخصی ۲۴ نفر از مدیران ارشد نهاد های مردمی و سازمانی در استان فارس و نیز بانوان فعال در زمینه مشاغل خانگی شهر شیراز طی مصاحبه های عمیق، با استفاده از روش نظریه پردازی داده بنیاد می باشد. بر اساس نتایج حاصل، مشکلات فردی همچون عدم اعتماد به نفس، عادات زندگی و منفی نگری، مشکلات اجتماعی همچون فرهنگ کمک های بلاعوض و عوامل خانوادگی، موانع اقتصادی نظیر نبود بازار عرضه، ضعف در بازاریابی و عدم ثبات اقتصادی، عوامل نهادی مانند فرآیند طولانی اخذ وام، ابهام در اعطای مجوز، عدم اعتبار لازم، عدم دسترسی به کارگاههای آموزشی از مهمترین موانع در حوزه مشاغل خانگی است. همچنین بر اساس نظرات مطرح شده راهکارهای کاربردی جهت کاهش یا رفع مشکلات شناسایی شده ارائه شده است.

کلمات کلیدی: مشاغل خانگی؛ گراند تئوری؛ موانع توسعه؛ زنان کارآفرین؛ مناطق حاشیه نشین شیراز.

۱. مقدمه

به دنبال شوک های برون زای وارد بر اقتصاد ایران در سالهای اخیر یعنی بازگشت تحریم ها، سقوط قیمت نفت و شیوع بیماری کرونا، فشار اقتصادی بر اقشار آسیب پذیر جامعه بخصوص در مناطق حاشیه نشین شهرها به شدت افزایش یافته است. بدین ترتیب خانوارهای ساکن در این مناطق به دنبال منابع درآمدی هستند که بتوانند مشکلات معیشتی خود را کاهش دهند. لذا بانوان خانه دار ساکن در این مناطق به عنوان پتانسیلی در حوزه توسعه مشاغل خانگی شناخته شده که نیازمند توجه بیشتر در جهت رفع موانع موجود در حوزه شغلی مذکور می باشند.

در سالهای اخیر طرح های متعدد ملی، سازمانی و خصوصی در حوزه مشاغل خانگی اجرا شده است. از جمله طرح توانمندسازی اقتصادی خانواده های زندانیان توسط انجمن حمایت از زندانیان برای ۱۰۰ نفر، طرح توانمندسازی اقتصادی زنان سرپرست خانوار توسط معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری در ۲۴ استان برای ۶۲۰۰ نفر، طرح ملی توسعه مشاغل خانگی توسط وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در دو مرحله یکی در ۹ استان پایلوت، دیگری در ۳۱ استان. در طرح اخیر یادشده، جهاد دانشگاهی به عنوان مجری طرح، با استفاده از شبکه کارشناسان، مشاوران و تسهیلگران خود در سراسر کشور در نظر دارد با بهره مندی از ظرفیت های تمامی سازمان های دولتی و غیر دولتی بویژه بخش خصوصی، حلقه های مفقوده و خلا طرح های مشابه قبلی را شناسایی و نقش و جایگاه مشاغل خانگی در اقتصاد کشور را توسعه دهد.

در واقع رکن اصلی و مورد توجه تمام طرح های مذکور بانوان می باشند، چراکه زنان به عنوان یکی از ارکان رشد در کشورهای در حال توسعه، امید اول ارتقاء خانواده، رشد و توسعه کشور محسوب می شوند. موفقیت زنان کارآفرین در این جوامع نه تنها منجر به سودآوری اقتصادی، بلکه موجب ایجاد منابع اجتماعی و فرهنگی می گردد (سمیر، ۲۰۰۱). بدین ترتیب کارآفرینی از مهمترین راه حل هایی است که برای رفع مشکلات بیکاری و معیشتی افراد آسیب پذیر شهرها در نظر گرفته شده است. با توجه به کاهش منابع و امکانات موجود و پیدایش نیازهای اجتماعی و اقتصادی جدید در حیطه کارآفرینی، مبحث مشاغل خانگی از جایگاه و اهمیت ویژه ای برخوردار است (انتظاریان و طهماسبی، ۱۳۸۹). با وجود قدمت مشاغل خانگی در جهان و حتی ایران، بعد از بروز مشکلات اقتصادی ناشی از ویروس کرونا، همچنان امروزه در جوامع اقتصادی حرکت به سمت مشاغل خانگی به عنوان راه حلی برای تقلیل مشکلات مذکور به حساب می آید.

با اجرای طرح های اشتغال و به ویژه مشاغل خانگی متعدد برای اقشار آسیب پذیر در جامعه در سالهای اخیر، لزوم بررسی مجدد موانع موجود در کسب موفقیت طرح ها احساس می شود به طوری که با گذشت دوره زمانی قابل توجه از اجرایی شدن طرح های مذکور، نمایان شدن مشکلات اصلی در این حوزه محتمل تر به نظر می رسد. البته تاکنون در مطالعات صورت گرفته، پژوهشی با تکیه بر نظر متولیان اصلی اجرایی طرح های اشتغال خانگی و فعالان در این زمینه صورت نگرفته است. از این رو، هدف این مطالعه بررسی موانع توسعه مشاغل خانگی در مناطق حاشیه نشین شهر شیراز و ارائه راهکارهای رفع موانع موجود در این زمینه با توجه به ابراز عقیده و نظر صاحبان نظر دست اندرکاران اجرایی طرح ها و فعالین در این حوزه و در واقع بکارگیری روش نظریه پردازی داده بنیاد در حوزه مشاغل خانگی می باشد.

۲. ملاحظات نظری

کسب و کارهای خانگی به لحاظ تاثیری که در ایجاد اشتغال آسان و کم هزینه در جوامع دارد، در دهه اخیر کانون توجه بسیاری از محققان و پژوهشگران حوزه کسب و کار و تجارت بوده است (احمدپور، ۱۳۸۵). بر اساس یک تعریف ساده، هر نوع فعالیت اقتصادی در محل سکونت شخصی که با استفاده از امکانات و وسایل منزل راه اندازی شود کسب و کار خانگی است (احمدپور داریانی و عزیز، ۱۳۸۸). در واقع این امر که افراد بیشتر ترجیح می دهند نیازهای خود را در نزدیکترین مکان ممکن تامین کنند، دلیلی برای به وجود آمدن کسب و کارهای خانگی در مناطق مختلف است که به نگر داشتن حجم پولی و فعالیت های مبادله ای در آن منطقه منجر می شود و خود باعث فرصت های کاری بیشتر و افزایش اشتغال در آن مناطق می شود (ناهد و قنبری، ۱۳۸۹).

یکی از زمینه های مهم و مناسب فعالیت اقتصادی زنان و به منزله راهکاری مهم برای ایجاد اشتغال و درآمد در سراسر جهان به شمار می رود. با وجود اینکه این نوع کسب و کارها در ایران نیز سابقه ای دیرینه دارد و می تواند به منزله رویکردی مناسب در فرآیند بهینه سازی و بهره وری نیروی کار و افزایش زمینه ها و فرصت های اشتغال برای بانوان به ویژه در مناطق محروم و حاشیه نشین شهرها محسوب شود، به منزله گزینه ای مناسب برای اشتغال بانوان ظرفیت های مناسبی ندارد و توسعه آن با موانعی روبه روست (انتظاریان و طهماسبی، ۱۳۸۹).

در مطالعاتی که تاکنون در حوزه مشاغل خانگی صورت گرفته است، در برخی به عوامل اثرگذار در یک زمینه خاص اشاره شده و در برخی دیگر عوامل اثرگذار بر توسعه مشاغل خانگی در ابعاد مختلف بیان شده و عوامل مذکور دسته بندی شده و در قالب راهکارها و یا موانع موجود در توسعه این گونه مشاغل ارائه شده اند. برای مثال در مطالعه عبدالکراد و محمد (۲۰۰۹) ذکر شده برای رشد و موفقیت کسب و کارها، فضای کسب و کار و حمایت های محیطی مانند زیرساخت های خدماتی، شرایط اقتصاد خانگی و سیاست های دولت بسیار دارای اهمیت است، به طوری که برخی از آن به عنوان محیط حمایت کننده یاد می کنند. و یا در مطالعه احمدپور و مقیمی (۲۰۱۶) آورده شده زیرساخت هایی چون ساختارهای اقتصادی، سیاسی، قانونی، مالی، تدارکاتی و اجتماعی از عوامل موثر بر کسب و کار هستند و می توانند، نگرش ها و رفتارهای کارآفرینانه را تسهیل کنند. همچنین، محیط کسب و کار به عنوان کل محیط اطراف که تاثیر مستقیم یا غیرمستقیم بر عملکرد کسب و کار دارد نیز شناخته می شود و بسیاری از جنبه های آن تحت تاثیر عملکرد، سیاست ها، حمایت ها و کارآمدی دولت است (پرچمی و جلالی، ۱۳۹۸).

بر اساس نظر ردموند و واکر (۲۰۱۰) هدف از سیاستگذاری و قانون گذاری تصویب شیوه ها و روش هایی است که افراد و سازمان ها در پیش می گیرند که می تواند در امور مدنظر راهگشا باشد در واقع یکی دیگر از مشکلات سر راه کسب و کارهای خانگی را ابهام و نبود وضوح قوانین در این حوزه می دانند (میسون و روسکه، ۲۰۱۵). علاوه طبق آنچه در دانشنامه کسب و کار خانگی (۲۰۱۶) بیان شده، دولت ها نیز هنگام سیاستگذاری و ارائه حمایت به این کسب و کارها با چالش هایی روبرو هستند که کار را برای آنها دشوار می کند. از جمله آنها انزوا و دیده نشدن، محدودیت های قانونی، چالش های رقابت پذیر شدن، بازاریابی، بسته بندی و قیمت گذاری و جانداختن این مطلب است که کسب و کارهای خانگی ماهیت قانونی دارند.

طبق نظر ادوارد و همکاران (۲۰۰۶) با این که راه اندازی این نوع کسب و کار به سرمایه هنگفتی نیاز ندارد، ولی مهارت های مدیریت مالی، مدیریت زمان، سازمان دهی یک مجموعه کاری، مدیریت فردی و مهم تر از همه مهارت بازاریابی از عوامل تاثیرگذار در توسعه مشاغل خانگی به شمار می روند. طبق نظر خانی فر و همکاران (۲۰۱۰)، آموزش های فنی و حرفه ای به سبب انعطاف پذیری نشأت گرفته از خصیصه های بازار کار و اوضاع اقتصادی کشور و نیز به دلیل آموزش و ایجاد "مهارت های لازم" در افراد به منظور توانایی در احراز مشاغل، نقش بسزایی در اشتغال دارد. این آموزش ها، هم مهارت های مورد نیاز صنعت و هم مهارت های عمومی بازار کار را فراهم می سازد. در واقع خصیصه این آموزش ها به نوعی، پرورش کارآفرین است، به این معنی که افراد پس از کسب مهارت و تخصص دانش فنی، قادر خواهند بود که فرصت های شغلی مناسبی را به دست آورند و یا در نهایت، فرصت شغلی ایجاد نمایند.

فلاح (۱۳۹۷) با توجه به نتایج مطالعات صورت گرفته در حوزه مشاغل خانگی، عوامل موثر بر توسعه مشاغل خانگی را به گروه عوامل درونی و بیرونی تقسیم بندی کرده است. به طوری که عوامل درونی عبارتند از: نوآوری و خلاقیت، ریسک پذیری، سرمایه های شخصی، طرح کسب و کار، ارتباطات خانوادگی، فعالیت های بازاریابی، روابط با مشتری، گرایش به کارآفرینی، آموزش، مبادله اطلاعات، توانمندی اجتماعی، مهارت، راهبردهای متمایز، سازگاری پویا و خصوصیات شخصیتی. همچنین عوامل بیرونی عبارتند از: بیمه و قوانین مالیاتی، تکنولوژی، حمایت های دولتی، کانال های عرضه، اعتماد اجتماعی، عوامل زیرساختی، مشارکت و انسجام اجتماعی، فضای کسب و کار و کانال های ارتباطی.

در گروه بندی دیگری توسط نادری مهدی و تیموری (۱۳۹۶)، راهکارهای توسعه مشاغل خانگی و در واقع عوامل اثرگذار بر آن به ۵ دسته تقسیم بندی شده اند که شامل راهکارهای اجتماعی، حمایتی، نهادی، بازاریابی و تامین منابع مالی می شوند. از راهکارهای اجتماعی به افزایش مهارت های فنی و تکنولوژیکی نیروهای فنی شاغل در منازل و احیای فرهنگ کار در خانواده ها اشاره شده است. از راهکارهای حمایتی، وام های بلندمدت در دو سال ابتدایی شروع کار، بیمه، رعایت استانداردهای بهداشتی در محیط کار در مشاغل خانگی عنوان شده است. منظور از راهکارهای نهادی، ایجاد تشکیلات منسجم در حوزه فعالیت اقتصادی بانوان می باشد. سیاست های حمایتی در خصوص بازاریابی، بازاریابی، بازاریابی، توسعه صادرات تولیدات خانگی در گروه راهکارهای بازاریابی قرار می گیرند. همچنین افزایش تعداد و مبلغ وام ها در حوزه مشاغل خانگی را از راهکارهای تامین مالی موثر در توسعه این حوزه بر شمرده اند.

آگهی و همکاران (۱۳۹۱) داشتن مهارت، تخصص، تجربه، انگیزه کسب استقلال بیشتر، و معرفی و دیدار با الگوها و افراد موفق را از متغیرهای مهم مورد نیاز برای توسعه مشاغل خانگی از دیدگاه زنان و برگزاری کلاس های آموزشی، برطرف کردن نیاز مالی زنان، و ایجاد بازار محلی برای فروش محصولات را از متغیرهای مهم توسعه مشاغل خانگی از دیدگاه کارشناسان عنوان کرده اند رودگرزاد و همکاران (۱۳۸۹) راهکار بهبود این نوع از کسب و کارها را در توسعه همه جانبه توانمندی های فنی و تکنولوژیکی از طریق برنامه های آموزشی، استفاده از شیوه های آموزشی جدید، تشویق و ترغیب کارآفرینان، به کارگیری سیاست های تشویقی و حمایتی از صنایع کوچک، به ویژه تولیدات خانگی، استفاده از نوآوری و خلاقیت های تولید محصولات ویژه و منحصر به فرد، سیاست های حمایتی در بازاریابی، و تامین نیازهای مالی و اعتباری از راه تعدیل سیاست های مالی و پولی دانسته اند. علی میرزایی و طهماسبی (علی میرزایی و طهماسبی، ۱۳۸۹) نیز با تاکید بر وضعیت نامناسب کارآفرینی زنان روستایی به لزوم رفع موانع اجتماعی فرهنگی، اقتصادی، شناختی، و سیاستگذاری به منزله متغیرهای اصلی بازدارنده کارآفرینی زنان اشاره کردند. شراک و ژاک (شراک و همکاران، ۱۹۹۲) نیز نشان دادند فقدان آموزش و تجربه کم در زمینه مدیریت تجاری و نبود شبکه های اطلاع رسانی، فقدان حمایت های مالی، محیط نامناسب خانوادگی، و نداشتن خودباوری از موانع مهم برای کارآفرینی زنان است.

بر مبنای مرور اجمالی پژوهش های انجام شده در حوزه مشاغل خانگی، می توان دریافت که توسعه این مشاغل در گرو فراهم سازی مجموعه ای از عوامل و زمینه ها و رفع مجموعه ای از موانع و بازدارنده هاست. از سویی با توجه به همبستگی عوامل فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی با موانع توسعه این گونه مشاغل، به ویژه در مناطق حاشیه نشین شهرها، ارائه تصویر دقیقی از این موانع و محدودیت ها بر مبنای پژوهش های موجود امکان پذیر نیست. بدین ترتیب

در این پژوهش با درک اهمیت و ضرورت بررسی موانع گرایش زنان و دختران مناطق آسیب پذیر شهری به کسب و کارهای خانگی به منزله اولین عامل زمینه ای برای توسعه طرح های اشتغال زا در مناطق مذکور، با نظرخواهی از مسئولین اشتغال در استان فارس و فعالین در حوزه مشاغل خانگی سعی شده بعد از گذشت چندین طرح اشتغال در حوزه مشاغل خانگی، در قالب تئوری گراند موانع اصلی در حال حاضر شناسایی شود. به این امید که با کسب درک صحیحی از موانع مذکور و نحوه تاثیرگذاری آنها در فرآیند راه اندازی و توسعه کسب و کارهای زنان، بتوان پیشنهادهایی راهگشا برای تصمیم گیران به منظور تسهیل این فرآیند ارائه نمود.

۳. پیشینه مطالعاتی

انتظاربان و طهماسبی (۱۳۸۹) در مطالعه ای تحت عنوان "موانع و راهکارهای توسعه مشاغل خانگی در ایران" برخی از مشاغل خانگی معرفی و تجارب کشورهای موفق در این زمینه را ارائه کردند و موانعی که در راه اندازی و توسعه مشاغل خانگی وجود دارد را بیان کردند و برای اصلاح و رفع آنها راهکارهایی ارائه دادند. طبق مطالعه مذکور موانع توسعه مشاغل خانگی عبارتند از: (۱) تنهایی به این معنا که برای افراد نیازمند به داشتن کنشهای متقابل اجتماعی، گزینه کار در خانه نمی تواند مناسب باشد؛ (۲) عوامل مختل کننده حواس در محیط خانه؛ (۳) نیاز به انضباط کاری؛ (۴) نیاز به مکان ثابت برای کار؛ (۵) کمبود فضای مناسب؛ (۶) عوامل سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و اداری نظیر نیاز به وجود سیاست های کلی کشور در جهت توسعه موسسات صنعتی بزرگ و بهبود فضای سیاسی کشور؛ طبق نظر مهارتی و همکاران (۱۳۹۱) در مطالعه "بررسی و تحلیل تاثیر کسب و کارهای خانگی در پیشگیری از آسیب های اجتماعی" رایج شدن فرهنگ کمک های بلاعوض از موانع توسعه مشاغل خانگی است. طبق نتایج مطالعه مکاری مقدم (۱۳۹۱) در مطالعه "گزارش تجربه و کارکرد طرح حمایت از مشاغل خانگی و تاثیر آن در جامعه" نقش آموزش در جهت توسعه مشاغل خانگی بسیار مهم جلوه می کند. هرچه مهارت ها و فنون فزون تر گردد دامنه ارائه خدمات و نحوه ارائه آن دلخواه تر و باب میل مشتریان خواهد بود.

ایزدی و همکاران (۱۳۹۵) در مطالعه با عنوان "سازه های موثر و موانع تحقق توسعه کارآفرینی در مشاغل خانگی بخش کشاورزی در مناطق روستایی شیراز" به این نتایج دست یافتند که فضای کسب و کار، به کارگیری مدیریت دانش، تجربه قبلی، وجود ویژگی های شخصیتی مانند خلاقیت و برخورداری از مرکز کنترل درونی، حمایت دولت و مهارت های مدیریتی بر توسعه کارآفرینی در مشاغل خانگی تاثیر می گذارد. همچنین، طبق یافته های تحقیق، از مهمترین موانع توسعه کارآفرینی در مشاغل خانگی، موانع مالی می باشد. علاوه بر این فرآیند دریافت تسهیلات طولانی است و موجب نارضایتی فعالین این حوزه شده است که برای حل آن تحت پوشش درآمدن کسب و کارهای پشتیبان مطرح شده است. از دیگر موانع توسعه ی کارآفرینی در کسب و کارهای خانگی عوامل خانوادگی می باشد. منتظری و پناهی (۱۳۹۵) در مطالعه "خلاقیت و نوآوری در کسب و کار خانگی از دیدگاه اسلام" به بررسی خلاقیت در کسب و کار با رویکرد اسلامی پرداخته اند. در این مطالعه دلایل عدم موفقیت مشاغل خانگی را عواملی چون مشغله زیاد و درگیری بیش از حد با مساله، نداشتن استراحت کافی، ترس از انتقاد، عدم تمرکز ذهنی، عادت زدگی، منفی نگری و عدم اعتماد به نفس معرفی می کند. همچنین، توجه و حمایت جدی دولت از انواع نایع دستی و حتی ساماندهی این گونه از مشاغل در قالب تعاونی ها را عاملی موثر در رونق کسب و کار خانگی و ظهور و بروز خلاقیت و نوآوری در این نوع کسب و کار می دانند.

طبق مطالعه نادری مهدی و وحدت مودب (۱۳۹۷) با عنوان "بررسی تاثیر مولفه های سرمایه اجتماعی بر توانمندسازی زنان دارای مشاغل خانگی (مطالعه موردی: شهرستان رزن)"، از مولفه های سرمایه اجتماعی به ترتیب عامل مشارکت اجتماعی، اعتماد اجتماعی و انسجام اجتماعی از عوامل تاثیرگذار بر توانمندی زنان روستایی فعال در حوزه مشاغل خانگی می باشند. بهرامی (۱۳۹۸) در پژوهش "اثرات اقتصادی - اجتماعی صنایع روستایی (صنایع دستی و مشاغل خانگی) بر توسعه روستایی مورد: روستاهای شهرستان سنندج" موانع توسعه مشاغل خانگی روستایی را عدم دسترسی به نهادهای آموزشی در بروز کردن و رونق صنایع، پایین بودن سطح مهارت و بروز نبودن آنها، فقدان کارگاههای آموزشی و فقدان بیمه تامین اجتماعی معرفی می کنند. همچنین، عدم دسترسی به بازار فروش، حمل و نقل، پایین بودن سطح آگاهی از تبلیغ در شبکه های مجازی و اجتماعی، ضعف در دسترسی آسان به فروش محصولات از دیگر عوامل عدم توسعه مشاغل خانگی است.

پرجمی و جلالی (۱۳۹۹) در مطالعه "جافتادگی نهادی و اثربخشی آن بر کسب و کارهای خانگی" با پیمایشی با ۱۲۵ نفر از صاحبان کسب و کار خانگی در تهران، اثرپذیری و چالش های قوانین در حوزه مشاغل خانگی را بررسی کرده اند. نتایج نشان می دهد که دسترسی به اطلاعات، گرفتن مجوز، وام و بازار بیشترین تاثیر را در موفقیت کسب و کارهای خانگی داشته اند.

طبق مطالعه رامبد و مختارپور (۱۳۹۹) تحت عنوان "بررسی جامعه شناختی تاثیر اشتغال زنان بر توسعه اجتماعی ایران (مطالعه موردی: زنان صاحبان مشاغل خانگی در مناطق ۱۶ و ۱۹ تهران)" عوامل بازدارنده توسعه مشاغل خانگی عبارتند از: تبعیض جنسیتی، محدودیت های قانونی، ساعات کاری زیاد، تداخل با وظایف خانوادگی، مقررات دست و پا گیر، نارضایتی بیمه های اجتماعی، به روز نبودن آموزش ها و تمایل به شیوه های آموزش اسنادی-شاگردی، عدم نظارت بر اجرای قوانین، ضعف در بازاریابی، کافی نبودن تسهیلات بانکی، عدم ثبات اقتصادی و نرخ بالای رشد تورم، محدودیت در دسترسی به فضای مجازی، نارضایتی از بازارچه های شهرداری.

۴. روش شناسی

در قسمت مربوط به ملاحظات نظری مطالعه، عوامل بازدارنده و راهکارهای توسعه مشاغل خانگی از منظر کارآفرینی آورده شد. با توجه به شروع طرح مشاغل خانگی از سال ۱۳۸۹ تاکنون و مطالعاتی که در جهت بررسی اجرای طرح در سالهای مختلف در شهرهای گوناگونی انجام شده، لازم است با بررسی دوباره موانع و راهکارهای اجرایی طرح و با کمک صاحب نظران و ذینفعان طرح و جمع بندی مطالعات انجام شده، به خصوص در اوضاع شیوع کرونا موانع و راهکارهای اجرایی طرح از منظرهای مختلف اولویت بندی بر اساس اهمیت شوند. بنابراین یکی از مهم ترین ابزارهای روش شناسی که از طریق آن می توان به تفسیر معنایی موانع و راه حل های گسترش مشاغل خانگی پی برد روش داده بنیاد یا نظریه زمینه ای است. در این مطالعه از روش مذکور بهره گرفته شده است. مفهوم "نظریه زمینه ای" از کتاب "کشف نظریه بنیادی: استراتژی هایی برای تحقیق کیفی" نوشته گلاسر و استراوس در سال ۱۹۶۷ برگرفته شده است. از میان روشهای کیفی روش بسترزاد یا گراند جیگاه قابل توجهی در میان محققان دارد. برنیز و گرو معتقدند که روش بسترزاد بطور معمول در زمینه هایی بکار گرفته می شود که دانش کاملی در مورد آن پدیده در دست نباشد و یا اینکه هدف از آن کسب بینش و دیدگاه جدیدی نسبت به پدیده مورد مطالعه باشد. به همین دلیل انجام پژوهش های با رویکرد گراند جیگاه در کشورهای در حال توسعه از اهمیت بالایی برخوردار است. دلیل این امر هم آن است که در این کشورها مطالعات کمتری رشد داشته و بیشتر محدود به مراکز و نهادهای پژوهشی است. گراند جیگاه محقق را به پژوهش در خود بستر تحقیقی رهنمون می سازد و موجب می شود تا محقق با دیدگاه درونی مصاحبه شوندگان و تجربه آنان آشنا شده و به دنبال چپستی و چگونگی مساله مورد نظر خود باشند. لذا محقق می بایست برای انتخاب نمونه خود

از افراد و گروه‌هایی استفاده کند که منابع غنی در مورد پدیده و مساله را در اختیار می‌گذارند. این افراد یا مطلعین کسانی اند که همواره تجربه زیسته ای از موضوع داشته و حضور فعالی در کم و کیف پدیده دارند (حیدری و رزاقی، ۱۳۹۸، ۱۴۵-۱۴۶)

بر خلاف مدل های قیاسی، روش داده بنیاد با یک فرضیه یا یک سوال شروع نمی‌شود. در عوض با یک توصیف خوب از مساله و پدیده ای که محقق آن را برای تبیین نظریه ناکافی می‌داند شروع می‌شود. منابع داده ها در این راهبرد استفاده از مصاحبه عمیق، مشاهدات میدانی و اسناد و مدارکی مانند رویدادهای تاریخی، رسانه ها و روزنامه ها است. گردآوری اطلاعات و تجزیه و تحلیل آنها به صورت مستمر صورت می‌گیرد. پژوهشگران با در نظر گرفتن دیدگاههای افراد، گروهها و سازمان های تحت مطالعه، مسئولیت و نقش بزرگی در تفسیر و تحلیل داده ها برعهده دارند. علاوه بر آن مسئولیت تفسیر دیده ها، شنیده ها و خواننده های خود را نیز برعهده دارند. یکی از مهم ترین گام ها در فرآیند نظریه پردازی داده بنیاد، مرحله کدگذاری می باشد. کد گذاری نوعی تحلیل است که به معنای اختصاص نزدیک ترین مفهوم به کوچکترین جزء با معنی هر بخش از داده های گردآوری شده است. در کدگذاری داده ها تجزیه و تحلیل و مفهوم سازی شده و به شکل تازه ای کنار هم قرار داده می شوند. این همان فرآیند اصلی است که طی آن نظریه بر اساس داده ها تدوین می شود. فرآیند کدگذاری از داده ها آغاز می شود و طی فرآیند انتزاع به تدوین نظریه منتهی می شود. (استراوس، کریبن، ۱۳۹۶:۴۷-۹۵).

در این مطالعه به منظور بررسی و اولویت بندی موانع توسعه مشاغل خانگی در مناطق حاشیه نشین شهر شیراز، به بررسی روایت های فردی و تجربه های شخصی بانوان فعال در حوزه مشاغل خانگی مستقر در مناطق حاشیه نشین شیراز، مدیران ارشد دولتی و خصوصی مجری طرح های اشتغال در استان فارس از جمله اداره کار، تعاون و رفاه اجتماعی، جهاد دانشگاهی، سپاه فجر، سپاه نارالله، سپاه عشایری، موسسات مشاوره کسب و کار و کارآفرینی مجری طرح های اشتغال بنیاد کمیته امداد امام (ره)، معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری در استان فارس، مدیران موسسات خصوصی مجری طرح های اشتغال، کارشناسان بخش امور اجتماعی استان فارس و کارشناسان اقتصادی دفتر تسهیلات و توسعه محلی استانداری فارس پرداخته است. گردآوری داده ها طی مصاحبه عمیق با ۲۴ نفر از افراد جامعه آماری ذکر شده فوق در نهادهای دولتی و خصوصی انجام گرفت و به اشباع نظری رسید. روش نمونه گیری گلوله برفی (ارجاع زنجیره ای) است و مصاحبه شوندگان به مرور انتخاب می شدند. به این ترتیب که بعد از انجام هر مصاحبه نقاط مبهم یا ضعف الگو و مقوله ها مشخص می شد و نفر بعدی با توجه به تخصص مورد نیاز برای رفع ابهامات انتخاب شد. پس از پیاده سازی مصاحبه ها، کدگذاری اولیه، محوری و گزینشی در نرم افزار NVIVO.12 انجام گرفت. همچنین، استراتژی اعتبار سنجی نتایج در این مطالعه از طریق کنترل اعضاء (بررسی توسط اعضاء) انجام گرفته و محققین یافته های خود را با پنج نفر از افراد مطلع تحت بررسی کنترل نموده و تفاسیر پژوهشگر به تایید رسیده است.

۵. نتایج

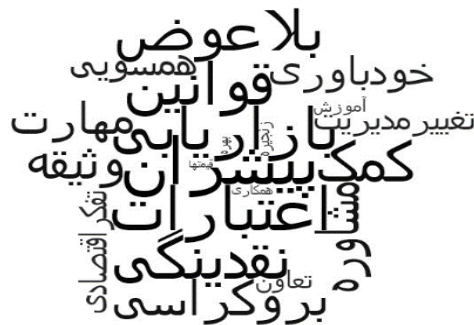
در این قسمت نتایج حاصل از کدگذاری باز، محوری و گزینشی ارائه می گردد. چند نمونه از مصاحبه ها پیش از بررسی نتایج به شرح زیر ارائه می شود:

نمونه مصاحبه با یکی از فعالین بخش خصوصی در حوزه اشتغال
آقای م.ح.ز. مدیرعامل یکی از شرکت های مشاوره شغلی و کارآفرینی و مجری چندین طرح اشتغال می گوید: " شرکت مشاوره شغلی خود را حدوداً ۵ سال پیش تاسیس کردم ولی از دو سال پیش تا کنون تعداد متقاضیان مشاوره های شغلی افزایش چشمگیری داشته است. این نشان می دهد که مردم آگاه تر شده و خواهان قدم های منطقی و هشیارانه تری در حوزه اشتغال و سرمایه گذاری هستند. علاوه بر کسانی که خواستار مشاوره به منظور سرمایه گذاری پس انداز خود هستند، روزانه مراجعه کننده گان بسیاری از بانوان خانه دار داریم که بیشتر آنها متقاضی شغل های خانگی و مخصوصاً بسته بندی هستند. در واقع همگی متقاضی شغلی هستند که نیاز به مهارتی ندارد. همچنین بسیاری از افراد دارای مهارت بعد از ارزیابی توسط متخصصین و پیمانکاران رشته مشخص می شود که یا مهارت کافی ندارند یا محصولاتی تولید می کنند که منطبق سلیقه بازار فروش نیست. در واقع برای بیشتر متقاضیان اشتغال مخصوصاً بانوان خانه دار لازم است که دوره آموزشی مهارتی برگزار شود. همچنین، آموزش بازاریابی از دیگر نیازهای بسیاری از افراد پیمانکاران و فعال در بازار و بانوان دارای مهارت مشاغل خانگی است. به طوریکه بسیاری از افراد فعال و دارای مهارت از شیوه های نوین بازاریابی اطلاعی ندارند و نیاز هست به طور حرفه ای در این راه هدایت شوند. در حوزه مشاغل خانگی، پروژه اشتغال زایی کمیته امام (ره) برای مددجویان ساکن منطقه ای به موسسه اینجانب سپرده شد که در زمینه استعداد یابی، توانسنجی، آموزش و اتصال به بازار به نتایج قابل قبول و مفیدی برای افراد معرفی شده دست یافتیم. البته یکی از بزرگترین ایرادات این طرح به نوع پشتیبانی کمیته از مددجویان مربوط می شود. در پروژه مذکور بعد از ایجاد اشتغال برای مددجو، وی از کلیه پشتیبانی های مالی و معیشتی کمیته محروم می شود که این امر ضربه سنگینی به وضعیت معیشتی وی در شروع کار وارد می کند. پیشنهاد اینجانب قطع تدریجی حمایت ها بعد از اشتغال مددجویان است. البته در طرح های اشتغال با کارفرمایی سازمان های دولتی، فرآیند طولانی اداری از دیگر موانع اجرای طرح های یاد شده است که این فرآیند با کارفرمایی بخش خصوصی وجود ندارد. به همین دلیل از نظر من یکی از راهکارهای موثر در اجرای طرح های اشتغال، ترغیب خیرین و سرمایه گذاران بخش خصوصی به سرمایه گذاری در طرح های اشتغال است."

نمونه مصاحبه با یکی از مجریان طرح های اشتغال دولتی

آقای م. ز. یکی از مدیران دولتی مجری طرح های اشتغال دولتی می گوید: "موانع عمده اجرای طرح های دولتی از دو طرف افراد متقاضی و بخش متولی طرح ها ایجاد می شود. از طرف شرکت کنندگان در طرح های اشتغال، یکی از موانع راحت طلبی بیشتر افراد متقاضی است که به دنبال کمترین کار و بیشترین درآمد هستند و این امر برای بیشتر آنها از کمک های بلاعوض خیریه ها نشأت می گیرد. بطوری که مددجویانی برای کار به ما معرفی شدند که از خیریه های متعدد ماهیانه کمک معیشتی دریافت می کردند، حتی به گفته یکی از آنها ماهانه به قدری بسته های معیشتی دریافت می کرد که آنها را برای فروش به بازار عرضه می کرد. و این چنین افرادی با وجود توانمندی به هیچ وجه حاضر به یادگیری حرفه ای شغلی نیستند و به درآمدهای حداقلی شروع کار رضایت نمی دهند. از طرف دیگر عدم تعهد به بازگرداندن وام ها توسط مددجویان شرکت کننده در طرح های اشتغال از مشکلات عمده این طرح هاست. البته شاید بتوان برای این مشکل از شیوه هایی که کشورهای دیگر دنبال کردند بهره برد مثلاً وام دهی به افراد متقاضی که فامیل، آشنا و یا دوست یکدیگرند و گروه آنها را ضامن وام هایی کرد که تک تک افراد آن گروه دریافت می کنند. بدین ترتیب می توان شانس بازگرداندن وام ها را افزایش داد. از طرف دیگر موانع بخش دولتی طرح ها وجود دارند. بی درایتی و بی کفایتی مدیران منصوب شده و تمایل ایشان به کنار گذاشتن طرح های قبلی و دنبال کردن ایده و طرح های کارشناسی نشده خودشان از جمله چالش های پیش روی هر طرحی از جمله طرح های اشتغال است. در واقع برنامه ای برای دنبال کردن و متوقف نشدن طرح ها در دوره های تعویض مدیریتی وجود ندارد. نبود اعتبارات کافی برای اعطای تسهیلات در طرح های اشتغال از موانع دیگر اجرای طرح های مذکور هست. همچنین روند طولانی و زمان بر و فرآیند اداری همراه با گزارشات متعدد از مشکلاتی است که فرآیند اجرایی طرح ها را زمانبر می کند. طبق بررسی ها آنچه برای متقاضیان اشتغال ضروری به نظر می رسد اول آموزش مهارت است و دوم حل مشکل فروش محصولات آنها. یکی از راه حل های مفید برای حل مشکل فروش، یافتن و معرفی کردن پیمانکاران فعال در بازار است. پیمانکاران حرفه ای و فعال در بازار علاوه بر آموزش افراد در مورد محصول درخواستی بازار می توانند مواد اولیه و بازار

عرضه محصول را برای متقاضیان فراهم کنند." تصویر ۱ نشان دهنده لغات پرتکرار (word frequency) در مصاحبه های انجام گرفته است که در نرم افزار Nvivo استخراج شده است.



تصویر شماره ۱: ابرواژه مستخرج از ۲۴ مصاحبه در نرم افزار Nvivo

پس از پیاده شدن مصاحبه ها، کدگذاری روایت های آنان در سه سطح کدگذاری اولیه، محوری و گزینشی انجام گرفت. کدگذاری در مرحله اول با توجه به کلی بودن و بازبودن کدگذاری اولیه محسوب می شود. در مرحله بعد از این نوع کدگذاری، می بایست کدگذاری ثانویه انجام بگیرد که در آن کدهای اولیه به علت تعداد فراوان در قالب طبقه های مشابه یا همان کدهای ثانویه به یک کد مفهومی تبدیل می شوند.

جدول شماره ۱: کدگذاری محوری و استخراج مقولات اصلی در بخش موانع توسعه مشاغل خانگی (اعداد داخل پرانتز نشان دهنده تعداد تکرار مفاهیم می باشد)

| کدگذاری ثانویه و کدهای مفهومی | مقولات اصلی | بعد اصلی |
|--|--|-----------|
| رواج فرهنگ کمک بلاعوض (۲۱)، نبود فرهنگ همکاری و تعاون بین فعالین در رشته های یکسان مشاغل خانگی در محلات حاشیه نشین (۱۸)، پایین بودن طرز تفکر اقتصادی بین مردم مناطق حاشیه نشین (۲۴)، نبود روحیه مطالبه گری (۲۱)، پایین بودن فرهنگ کار (۲۰)، تبعیض جنسیتی (۱۰)، عوامل خانوادگی (۹) | فرهنگی | اجتماعی |
| تنهایی (۱۳)، نیاز به انطباق کاری (۱۵)، ترس از انتقاد (۱۶)، عدم تمرکز ذهنی (۱۱)، منفی نگری (۲۶)، عدم اعتماد به نفس (۲۶) | شخصیتی | روانشناسی |
| عدم بازاریابی مناسب قبل از تولید (۲۷)، عدم رعایت استانداردهای بازار فروش (۲۱)، عدم سلیقه یابی و ذائقه یابی قبل از تولید (۲۷)، عدم ارتباط فعالین مشاغل خانگی با فعالین و پیشران های قدرتمند بازار (۲۹)، بی ثباتی قیمت ها به خصوص در تامین مواد اولیه (۲۶)، عدم دسترسی و یا هزینه بالای دسترسی به شبکه های ارتباطی مجازی (۲۳) | مشکلات مربوط به بازار | اقتصادی |
| عدم شناسایی حلقه های واسطه گم شده در زنجیره های ارزش (۱۵)، ناقص بودن زنجیره تولید در استان (۱۴)، عدم جهت گیری تولیدات مشاغل خانگی به سمت جاهای خالی در زنجیره های ارزش تولیدات استانی (۲۵) | موانع مربوط به خوشه ها صنعتی و زنجیره های ارزش | اقتصادی |
| عدم مهارت و تخصص کافی افراد مشغول در حوزه مشاغل خانگی (۲۴)، نبود شرکت های مشاوره ای شغلی فعال در مناطق حاشیه نشین شهرها (۲۴)، عدم اعتقاد و مراجعه به مشاوران شغلی، کسب و کار و کارآفرینی (۱۵)، عدم آشنایی با شیوه های بازاریابی و مدیریتی فعالیت در مشاغل خانگی (۲۸) | نبود نیروی کار متخصص | اقتصادی |
| نداشتن مکان مناسب و کافی برای فعالیت در بیشتر حوزه های مشاغل خانگی (۲۲)، نداشتن نقدینگی کافی برای سرمایه گذاری در حوزه مشاغل خانگی (۲۸)، نداشتن شرایط وثیقه ای لازم برای اخذ وام و تسهیلات (۲۵) | مشکلات مالی | اقتصادی |
| نبود دید توسعه مدار بین مدیران استان (۵)، تاکید مدیران بر آمارسازی به جای تاکید بر توسعه (۲۳)، عدم توجه به تکمیل زنجیره تولید استان (۷)، عدم عنایت به خرد جمعی و نخبه مداری (۴)، عدم توجه به توسعه پایدار (۵)، ناکارآمدی مدیران (۳)، عدم پیگیری امورات و نداشتن دغدغه توسعه استان بین مدیران (۱۵)، کاربلد نبودن مدیران (۱۱)، عدم برنامه ریزی بلندمدت در ادارات (۱۰)، تنگ نظری مدیران (۱۵)، رانت داری شدید (۱۸)، نبود اراده برای تغییر (۲۱)، انتخاب تیم ضعیف توسط مدیرانی ضعیف (۱۱)، سرعت عمل بسیار پایین (۲۱)، ارجاع بیش از حد امورات و یا ارجاع نادرست امورات (۲۵)، چارچوبی | ضعف مدیریتی | اقتصادی |

| کدگذاری ثانویه و کدهای مفهومی | مقولات اصلی | بعد اصلی |
|--|----------------------|-----------------|
| عمل کردن مدیران (۱۴)، عدم کار تیمی کارکنان در سازمان ها (۱۷)، نبود شهامت مدیریت (۲۰)، ترس مدیران از زیر سوال رفتن (۲۱)، رفتن در لاک بروکراسی (۲۷) همسوی بودن ارگان های مختلف دولتی در اجرای طرح های اشتغال (۲۷)، نبود برنامه های بلندمدت در دستگاههای اجرایی (۱۵)، نبود برنامه برای همکاری های اقتصادی داخلی و بین المللی (۵)، بادی به هرجهت بودن اقدامات در ادارات دولتی (۲۲)، تغییر مدیران با تغییر سیاست مداران (۲۲)، عدم علاقه مدیران به تدوین برنامه های بلندمدت به علت تغییرات بیش از حد مدیریت در کوتاه مدت (۱۸)، گماشتن افراد غیرمتخصص در پست های مدیریتی و تغییر آنها در کوتاه مدت (۲۱)، عدم انجام مطالعات بازار هدف (۲۲)، در تعارض بودن اهداف سازمان های مختلف همچون جهاد کشاورزی، محیط زیست، دارایی، تامین اجتماعی، سازمان فنی و حرفه ای، اداره کار و ... (۲۱)، عدم وجود اجماع نظر کلی بین مدیران دستگاههای اجرایی (۲۴)، عدم همکاری شهرداری ها در اختصاص مکان های مناسب در محلات حاشیه نشین به بازارچه های محلی (۲۱)، عدم همکاری شهرداری ها در اختصاص مکان های مناسب به فرهنگسرا و سرای محله (۲۱) | ضعف سازمان های دولتی | نهادهای حاکمیتی |
| قوانین دست و پاگیر در صدور مجوزها (۲۵)، طاقت فرسا بودن فرآیند اعطای مجوزها (۲۵)، سخت بودن شرایط اعطای تسهیلات (۲۶)، عدم ثبات قوانین و مقررات (۱۸)، مشکلات فراوان با اداره های مالیات و بیمه (۱۲)، مرکزی بودن قوانین به جای منطقه ای بودن آنها (۱۵)، تعارض قوانین سازمان فنی و حرفه ای با طرح های حمایتی در مناطق حاشیه نشین (۱۸) | ضعف قانونی | |
| دور از دسترس بودن مکان های آموزشی مناسب در مناطق حاشیه نشین (۲۰)، به روز نبودن آموزش های مهارتی (۲۱)، عدم تناسب آموزش های رایگان مهارتی در محلات حاشیه نشین با بازار فروش (۲۶)، فقدان مکان مناسب برای برگزاری دوره های آموزشی در محلات حاشیه نشین (۲۷)، هزینه سنگین دوره های آموزش مهارت فنی و حرفه ای برای افراد ساکن محلات حاشیه نشین (۲۸) | ضعف آموزشی | |
| اعطای تسهیلات به افراد بر اساس روابط و نه بر اساس ضوابط (۱۹)، مشکل وثیقه ستانی توسط بانک ها (۲۷)، شرایط بسیار سخت وثیقه ستانی، بدهی معوقه، چک برگشتی و ... (۲۷)، نرخ بهره بانکی بسیار بالا (۲۴)، زمان بر بودن فرآیند دریافت تسهیلات (۲۴)، عدم اعتبارات کافی به مشاغل خانگی (۲۸) | ضعف سیستم بانکی | |

منبع: یافته های تحقیق

همانطور که مشاهده می شود طی کدگذاری باز حدود ۸۰ مورد به عنوان مفاهیم از متن مصاحبه های انجام شده به دست آمده که در قالب ۱۱ زیرمقوله و ۴ بعد اصلی از موانع شامل ابعاد اجتماعی، روانشناسی، اقتصادی و نهادی به شرح زیر قابل ارائه می باشند.

۱) موانع اجتماعی

مشکلات اجتماعی در حوزه فرهنگی نمایان شده است. از دید اکثریت قریب به اتفاق مدیران ارشد سازمانی، کارشناسان تسهیلتگری و فعالین در حوزه مشاغل خانگی در مناطق محروم شیراز، مهمترین موانع توسعه مشاغل خانگی از بعد فرهنگی پایین بودن طرز فکری اقتصادی بین مردم حاشیه نشین، رواج فرهنگ کمک بلاعوض و نبود روحیه مطالبه گری می باشند. نبود فرهنگ همکاری و تعاون بین فعالین در رشته های یکسان مشاغل خانگی در محلات حاشیه نشین از دیگر مشکلات فرهنگی توسعه در این حوزه از اشتغال معرفی شده است.

۲) موانع روانشناسی

بر اساس اظهارات مصاحبه شوندگان، فعالین مشاغل خانگی با مشکلات روانشناسی عمده ای روبرو هستند که مهمترین آنها عدم اعتماد به نفس و منفی نگری است. ترس از انتقاد، نیاز به انطباق کاری، تنهایی و دور از محیط اجتماعی برای کار و عدم تمرکز ذهنی از دیگر اثرات منفی و موانع اثرگذار بر توسعه مشاغل خانگی است.

۳) موانع اقتصادی

از دیدگاه مدیران اجرایی بخش اشتغال در استان، مشکلات اقتصادی نیز موانع جدی در راه اجرا و توسعه طرح های مشاغل خانگی ایجاد کرده است. موانع اقتصادی در قالب ۴ مقوله بدین شرح ارائه شده است: ۱) مشکلات مربوط به بازار، ۲) موانع مربوط به خوشه های صنعتی و زنجیره های ارزش، ۳) نبود نیروی کار متخصص و ۴) مشکلات مالی. طبق مقوله های معرفی شده مذکور، عدم ارتباط فعالین مشاغل خانگی با فعالین و پیشران های قدرتمند بازار، عدم بازاریابی مناسب

قبل از تولید، عدم سلیقه یابی و ذائقه یابی قبل از تولید، عدم جهت گیری تولیدات مشاغل خانگی به سمت جاهای خالی در زنجیره های ارزش تولیدات استانی، عدم آشنایی فعالین در بخش مشاغل خانگی با شیوه های بازاریابی و مدیریتی، نداشتن نقدینگی کافی برای سرمایه گذاری در حوزه مشاغل خانگی و نداشتن وثیقه های بانکی برای اخذ تسهیلات از مهمترین چالش های اقتصادی پیش روی فعالین در حوزه مشاغل خانگی در مناطق حاشیه نشین شیراز است.

۴) موانع مربوط به نهادهای حاکمیتی

با توجه به نظرات مدیران ارشد سازمانی در حوزه اشتغال در استان فارس و سایر کارشناسان و فعالین در حوزه مشاغل خانگی در مناطق آسیب پذیر شهری، موانع ایجاد شده در بخش های نهادهای حاکمیتی از دیگر موانع توسعه مشاغل خانگی و اجرای طرح های اشتغال در مناطق حاشیه نشین محسوب می شوند. موانع یاد شده در قالب ۵ مقوله زیر قابل ارائه می باشند: (۱) ضعف مدیریتی، (۲) ضعف در سازمان های دولتی، (۳) ضعف قانونی، (۴) ضعف آموزشی، (۵) ضعف سیستم بانکی. همچنین، در مقوله های مذکور مهمترین مواردی که بیشترین اعلام نظر توسط مصاحبه کنندگان را داشتند عبارتند از: رفتن در لاک بروکراسی مدیران سازمان ها، ارجاع بیش از حد امورات و یا حتی ارجاع نادرست امورات، همسو نبودن ارگان های مختلف دولتی در اجرای طرح های اشتغال، سخت بودن شرایط اعطای تسهیلات، هزینه سنگین دوره های آموزشی مفید فنی و حرفه ای برای افراد ساکن در مناطق حاشیه نشین، فقدان مکان مناسب برای برگزاری دوره های آموزشی در محلات حاشیه نشین و عدم اعتبارات کافی به فعالین در حوزه مشاغل خانگی.

۶. نتیجه گیری

در سال ۱۳۸۹ قانون ساماندهی و حمایت از کسب و کارهای خانگی به منظور توسعه ظرفیت های کسب و کار خانگی و بهبودها در زمینه های اشتغال اعضاء خانوار و افزایش بهره وری سرمایه و ارتقاء مدیریت کسب و کار خانگی به تصویب رسید. تاکنون در ایران طرح های اشتغال متعددی از طرف سازمان های دولتی و خصوصی معرفی و اجرا شده اند. از جمله می توان طرح های ملی توانمند سازی اقتصادی زنان سرپرست خانوار در ۲۴ استان (مشاغل خانگی)، طرح توانمند سازی اقتصادی خانواده های زندانیان، طرح ملی توسعه مشاغل خانگی در ۹ استان پایلوت و اخیراً طرح ملی توسعه مشاغل خانگی در ۳۱ استان را نام برد. در این بین طرح های اشتغال بخش های خصوصی نیز در مناطق مختلف از جمله در مناطق آسیب پذیر شیراز اجرا شده است. بر اساس نتایج حاصل از مصاحبه های مربوط به ۲۴ نفر از مدیران ارشد اجرایی در حوزه اشتغال و مجریان طرح های اشتغال بخش خصوصی و بانوان فعال در حوزه مشاغل خانگی، موانع توسعه مشاغل خانگی مخصوصاً در مناطق حاشیه نشین شیراز شامل ۱۱ زیرمقوله در قالب ۴ بعد اجتماعی، روانشناسی، اقتصادی و نهادی می باشند.

نتایج این مطالعه با نتایج حاصل از مطالعات انتظاریان و طهماسبی (۱۳۸۹) و رامبد و مختاریپور (۱۳۹۹) مطابقت داشته و مشکلات عدم اتصال فعالین مشاغل خانگی به بازار فروش و عدم اختصاص اعتبارات کافی به توسعه این نوع مشاغل و مشکل نقدینگی در اولویت موانع توسعه مشاغل خانگی و اجرای صحیح طرح های اشتغال در این حوزه قرار دارد. بر اساس نظرات مصاحبه شوندهگان، عدم اتصال به بازار فروش و مخصوصاً عدم اتصال به یک پیشران فعال و قدرتمند در بازار فروش یکی از مهمترین عوامل مانع توسعه مشاغل خانگی است. همچنین، اکثر فعالین در حوزه مشاغل خانگی، با مشکل نقدینگی روبرو هستند در صورتی که هر ساله از طرف دولت و بانک های مجری، اعتبارات ناکافی به این گونه مشاغل اختصاص داده می شود. ضمن آنکه همچون نتایج مطالعات ایزدی و همکاران (۱۳۹۵)، نادری مهدی و وحدت مودب (۱۳۹۷) و پرچمی و جلالی (۱۳۹۹)، قوانین دست و پا گیر دریافت تسهیلات مخصوصاً زمانبر شدن فرآیند دریافت تسهیلات به دلیل بروکراسی و شرایط دشوار آن از جمله وثیقه های بانکی از دیگر موانع مهم در راه فعالیت در حوزه مشاغل خانگی است. همچنین، عدم آشنایی با شیوه های بازاریابی به ویژه بازاریابی نوین و شبکه های مجازی، دریافت کمک های بلاعوض بیش از حد که منجر به عدم تمایل بسیاری از افراد نیازمند به اشتغال می شود از دو عامل عمده بازدارنده توسعه مشاغل خانگی نام برده شده است. نتایج مذکور با نتایج مطالعات رامبد و مختاریپور (۱۳۹۹)، بهرامی (۱۳۹۸)، مهارتی و همکاران (۱۳۹۱) همخوانی دارد.

همچنین، طبق اظهارات مصاحبه شوندهگان و مخصوصاً مسئولین اشتغال و مجریان طرح های اشتغال، اکثر افراد متقاضی اشتغال در حوزه مشاغل خانگی، در انتخاب رشته فعالیت سردرگم بوده و به شدت نیاز به استعداد یابی و توان سنجی برای این افراد احساس می شود. علاوه بر این حتی بعد از توان سنجی، بسیاری از افراد نیازمند کسب مهارت در حرفه مورد نظر خود هستند که البته بر خلاف بسیاری از آموزش های ارائه شده توسط سازمان فنی و حرفه ای، باید این مهارت ها به طور حرفه ای و مناسب سلیقه بازار آموزش داده شود. عدم اعتماد به نفس و خودباوری در افراد از دیگر موانع شخصیتی است که قدرت تصمیم گیری، پشتکار و امیدواری به موفقیت را از آنها سلب کرده است. از دیگر معضلات که به افراد مربوط می شود، عدم تفکر اقتصادی صحیح در مورد مدیریت مسائل مالی خانواده است که از جمله تبعات مهم آن کاهش و در مواردی حتی عدم روحیه همکاری و تعاون بین افراد را باعث شده است. نتایج یاد شده در مطالعات بهرامی (۱۳۹۸)، منتظری و پناهی (۱۳۹۵) و انتظاریان و طهماسبی (۱۳۸۹) نیز به عنوان موانع فعالیت در حوزه مشاغل خانگی نامبرده شده است.

علاوه بر این، مشکلات ساختاری در دستگاه اداری طرح های اشتغال از جمله همسو نبودن و عدم همکاری ارگانهای مسئول طرح ها با یکدیگر، تغییرات مکرر مدیریت به ویژه با تغییر سیاستمداران و در نتیجه آن دلسردی و عدم تمایل و انگیزه مدیران به دنبال کردن برنامه های بلندمدت از عمده ترین مشکلات نهادی در این حوزه می باشند که از طرف مصاحبه شوندهگان مطرح شده است. همچنین، مشکلات مربوط به آموزش مهارت در این حوزه از جمله نبود مکان آموزشی مناسب در محله های حاشیه نشین، هزینه بالای آموزش برای افراد متقاضی اشتغال در این مناطق و عدم تناسب آموزش به صرفه و رایگان به این افراد متناسب با خواسته و سلیقه بازار از دیگر مشکلات بازدارنده فعالیت در حوزه مشاغل خانگی توسط مصاحبه شوندهگان برشمرده شده است. علاوه اینکه عدم شناسایی زنجیره های ارزش در شهرها به منظور هدایت فعالیت مشاغل خانگی مناطق آسیب پذیر به سمت آنها به منظور پر کردن خلاء های موجود در زنجیره ها، نرخ بهره بالای تسهیلات اعطایی به فعالین این حوزه و عدم ثبات قیمت ها به خصوص مواد اولیه تولیدی این نوع مشاغل از دیگر موانع فعالیت و گسترش مشاغل خانگی نامبرده شده است.

لذا با توجه به موارد فوق می توان پیشنهادات زیر را ارائه نمود:

- ایجاد ارتباط بین پیشران های فعال و قدرتمند در بازار و فعالین مشاغل خانگی به ویژه در مناطق حاشیه نشین، می تواند علاوه بر حل مشکل فروش محصولات، در کسب آگاهی از سلیقه بازار و بازاریابی نیز به افراد کمک کند.
- تخصیص اعتبارات هدفمند به طرح های اشتغال و استفاده از روش های ضمانت فامیلی در فعالیت مشترک به جای دریافت وثیقه توسط بانک نیز می تواند مشکل نقدینگی، فرآیند طولانی دریافت تسهیلات و عدم توانایی ارائه وثیقه بانکی را حل نماید.

- حمایت از شرکت های مشاوره ای و کارآفرینی جهت استقرار در مناطق حاشیه نشین و یا پرورش نیروهای زبده تسهیلگری در نقش مشاور شغلی و کسب و کار در مناطق مذکور می-تواند در امر آموزش بازاریابی، آموزش مدیریت اقتصاد خانواده، تقویت روحیه کارآفرینی، ارتقاء اعتماد به نفس، پرورش روحیه خودباوری و گسترش فرهنگ تعاون و همکاری در افراد ساکن در این مناطق بسیار موثر باشد.
- ایجاد یک مکانیسم ارتباطی مناسب بین کلیه خیره های خصوصی و مراکز حمایتی حکومتی به منظور جلوگیری از اعطاء کمک های بلاعوض به افراد توانمند، به طوری که مقدار کمک ها از حدی نگذرد که انگیزه اشتغال برای افراد را از بین ببرد.
- انعقاد تفاهم نامه بین ارگانهای حکومتی و مراکز خصوصی فعال در حوزه اشتغال به منظور هم افزایی و همکاری بیشتر در اجرای طرح های اشتغال و جلوگیری از موازی کاری و کاهش اثربخشی طرح های مذکور.
- همکاری شهرداری ها در ایجاد بازارچه های دائمی به افراد فعال در حوزه مشاغل خانگی در مناطق حاشیه نشین به منظور بهبود وضعیت بازار فروش محصولات خانگی افراد یادشده و احداث سرای محله یا فرهنگسرا در مناطق مذکور به منظور فراهم آوردن مکان آموزشی مناسب برای ساکنین محلات آسیب پذیر شهری.
- شناسایی دقیق زنجیره های ارزش در استان ها و مناطق مختلف و هدایت فعالیت های مشاغل خانگی به سمت پرکردن خلاء های موجود در زنجیره های ارزش شناسایی شده.
- اختصاص بودجه مناسب به سازمان فنی و حرفه ای هر استان به منظور ارائه آموزش با هزینه اندک برای افراد ساکن در مناطق حاشیه نشین، به ویژه آموزش های متناسب با سلیقه و خواسته بازار.
- برقراری بسترهای مجازی رایگان برای مناطق حاشیه نشین به منظور بهره برداری در جهت توسعه مشاغل خانگی نظیر بازاریابی، آموزش مهارت و مشاوره های کسب و کار.

منابع

- [1] احمدپور داریانی، محمود؛ عزیزی، محمود. (۱۳۸۸). کارآفرینی. تهران: محراب قلم.
- [2] احمدپور داریانی، محمود. (۱۳۸۵). کارآفرینی در کسب و کارهای خانگی. تهران: قلم.
- [3] انتظاریان، ناهید؛ طهماسبی، طاهره. (۱۳۸۹). موانع و راهکارهای توسعه مشاغل خانگی در ایران. ماهنامه اجتماعی، اقتصادی، علمی و فرهنگی. ۱۲۷، ۷۸-۹۸.
- [4] ایزدی، بنت الهدی؛ رضایی مقدم، کورش؛ اسداله پور، علی. (۱۳۹۵). سازه های موثر و موانع تحقق توسعه کارآفرینی در مشاغل خانگی بخش کشاورزی در مناطق روستایی شیراز. مجله علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران. ۱۲(۱). ۵۱-۳۹.
- [5] آگهی، حسین؛ میرک زاده، علی اصغر؛ تقی بیگی، معصومه. (۱۳۹۱). اولویت بندی عوامل موثر بر توسعه مشاغل خانگی زنان روستایی. فصلنامه زن و جامعه. ۳. ۱۸۱-۲۰۲.
- [6] بهرامی، رحمت الله. (۱۳۹۹). اثرات اقتصادی-اجتماعی صنایع روستایی (صنایع دستی و مشاغل خانگی) بر توسعه روستایی مورد: روستاهای شهرستان سنجند. مجله علمی جغرافیا و برنامه ریزی. ۷۲. ۸۱-۱۰۳.
- [7] پرچمی، داود؛ جلالی، فاطمه. (۱۳۹۸). بررسی تطبیقی کسب و کارهای خانگی در راستای تحقق سیاست های کلی اشتغال. فصلنامه سیاست های راهبردی و کلان. (۲)۷. ۱۸۵-۱۶۴.
- [8] حدیدی، حسن؛ رزاقی، سمیه. (۱۳۹۸). بررسی موانع رشد شاخص های توسعه اقتصادی استان آذربایجان غربی از دید فعالان حوزه صنعت در بخش خصوصی و دولتی: با تاکید بر روش گراند تئوری. دوفصلنامه جامعه شناسی اقتصادی و توسعه، ۲. ۱۳۵-۱۶۵.
- [9] نادانی فرد، حسن و یعقوب حسینی. (۲۰۱۰). مدلی مفهومی برای ساخت نظریه های کاربردی در علوم اجتماعی: چگونه دنیای معنابخشی کارورزان و اندیشمندان را به هم پیوند دهیم؟ مجله روش شناسی علوم انسانی. شماره ۶۵
- [10] رامبد، املیا؛ مختارپور، مهدی. (۱۳۹۹). بررسی جامعه شناختی تاثیر اشتغال زنان بر توسعه اجتماعی ایران (مطالعه موردی: زنان صاحبان مشاغل خانگی در مناطق ۱۶ و ۱۹ تهران). مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران. ۳. ۱۳۳-۱۵۸.
- [11] رودگرزاد، فروغ؛ کیاکجوری، کریمی. (۱۳۸۹). چالش ها و موانع توسعه کسب و کارهای خانگی. همایش توسعه مشاغل خانگی (چالش-راهکار)، تهران.
- [12] علی میرزایی، عرفان؛ طهماسبی، مریم. (۱۳۸۹). موانع توسعه کارآفرینی زنان روستایی. کنفرانس بین المللی مدیریت و نوآوری. شیراز.
- [13] فلاح، محمدرضا. (۱۳۹۷). شناسایی پیشران های موثر در توسعه کسب و کارهای بسیار کوچک (میکرو) در بخش مشاغل خانگی روستایی. فصلنامه تحقیقات بازاریابی نوین. ۳(۳۰). ۲۰۰-۱۷۹.
- [14] منتظری، غلامرضا؛ پناهی گرچی محله، یوسف. (۱۳۹۵). خلاقیت و نوآوری در کسب و کار خانگی از دیدگاه اسلامی. اولین همایش ملی اقتصاد خلاق دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران غرب.
- [15] نادری مهدی، کریم؛ تیموری، زهرا. (۱۳۹۶). شناسایی راهکارهای توسعه مشاغل خانگی زنان روستایی شهرستان اراک. مجله توسعه محلی (روستایی-شهری). ۲. ۳۲۴-۳۰۷.
- [16] نادری مهدی، کریم؛ وحدت مودب، هاجر. (۱۳۹۷). بررسی تاثیر مولفه های سرمایه اجتماعی بر توانمندسازی زنان دارای مشاغل خانگی (مطالعه موردی: شهرستان زن). مجله زن در توسعه و سیاست. ۱۶(۲). ۱۹۶-۱۷۵.
- [17] ناهید، مجتبی؛ قنبری، محمدامین. (۱۳۸۹). بررسی نقش کسب و کارهای خانگی در اشتغال زایی و کارآفرینی جوانان. همایش توسعه مشاغل خانگی (چالش ها- راهکار)، تهران.

[18] AbdulKader, R. & Mohamad C. I. (2009). Success Factors for small rural entrepreneurs under the one-district-one-industry program in Malaysia. Contemporary Management Research, 5(2), 147-62. [DOI:10.7903/cmr.1173]

[19] Glaser, Barney, Strauss, Anselm (1967). The Discovery of Grounded Theory: The Strategies for Qualitative Research, London.

[20] Mason C, Reuschke D. (2015). Home truths: The true value of home-based businesses. London: Federation of Small Businesses.

[21] Shragg, P; Jacuk, L; Glass, A. (1992). Study of barriers facing Albertan women in business. Journal of Small Business and Entrepreneurship, 9(4). 9-40.



[22] Redmond, J., & Walker, E. A. (2010). Home-based business policy and return on investment for the community. *Small Enterprise Research*, 17(2), 150-64. [DOI:10.5172/ser.17.2.150]